پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (سیزدهم) دوشنبه ۱۳ جوزا - ۱۳۴۷ هـ - ۳ جون ۱۹۶۸ ع

هوشیاری را نباید از دست داد!

قبل از اینکه عمده‌ترین، ضروری ترین و فوری ترین وظایف نزدیک خود را بطور مشخص طرح نماییم، نخست باید دید که ارتجاع چه می‌خواهد و وظایف ما در برابر آن چیست؟

منظور اساسی ارتجاع تلاش مداوم برای تحکیم موفقیت محکوم بزوال آنست، و برای تثبیت موضع خویش از تاکتیک‌ها و سلاح‌های گوناگونی استفاده می‌نماید، گاهی به سلاح ارزان تفتین و تفرقه دست میزند و زمانی به دهشت افگنی و اختناق عمومی متوسل می‌شود و بعضاً وادار به عقب‌نشینی‌های موقتی می‌گردد و به برخی از تغییرات ظاهری و سطحی تن در می‌دهد، تا بدین ترتیب اوضاع را به جهت حفظ منافع خویش (به سود ملاکان و تاجران بزرگ دلال و بیروکرات‌های ستمگر و بسود استعمار و امپریالیزم) و بزیان نیروهای ملی، وطن‌پرست و تحول طلب کشور انحراف دهد.

وضع فرتوت و هلاکتبار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از لحاظ داخلی و فشار، توطئه، شانتاژ (تهدید) و نفوذ روزافزون امپریالیزم از لحاظ خارجی باعث ایجاد اوضاع و احوال نااستوار کنونی کشور و نارضایتی عمومی و مداوم توده‌های مردم گردیده است، بدین جهت اکنون ارتجاع در زمینه سیاست داخلی در حالت تفتین و توطئه است تا زمینه را برای اختناق عمومی تهیه ببیند و طومار این آزادی‌های نیم‌بند را که دست آورد مبارزات طولانی مردم ماست نیز در هم پیچد و نیروهای ملی دموکراتیک، ترقی‌خواه و وطن‌پرست را بدنام و سرکوب نماید و بعد جمعیت‌ها و حزب‌های دستوری را ایجاد نماید و دست بصحنه سازی‌های دموکراتیک بزند. این تاکتیک‌های فتنه‌انگیز، ایجاد اختناق از شیوه‌های کهن ارتجاع و اداره استعماری است. همچنان ارتجاع در عرصه سیاست خارجی پیوسته تلاش کرده است که زیر عنوان »سیاست توازن « پایگاه‌های ارتجاع بین‌المللی را تجدید سازمان دهد.

درک این مسائل حاد باین نتیجه عاجل، ضروری و منطقی می‌انجامد که نیروهای ملی دموکراتیک، وطن‌پرست و ترقی‌خواه کشور مسئولیت فوق‌العاده بزرگ ملی و تاریخی خویش را در وضع مشخص کنونی درک کنند و نگذارند که نقشه فتنه‌انگیز ارتجاع مورد عمل قرار گیرد و فهمیده یا نفهمیده آله تحریک و تفتین و ماجراجویی قرار گیرند.

اکنون باید دید که ما چه می‌خواهیم:

ما برای رهایی خلق ستمدیده خود از کلیه اشکال ستم و استثمار و چنگال ارتجاع، استبداد، استعمار و امپریالیزم، سیاست تحول بنیادی را مطرح ساخته‌ایم. باین معنی که باید قدرت سیاسی از دست نیروهای ضد خلق بدست خلق انتقال یابد و نظام اقتصادی، اجتماعی فرتوت کنونی طرد گردد و بجای آن نظام مترقی و نوین در کشور ایجاد گردد.

مسلماً در شرایط کنونی تنها یک حکومت واقعاً دموکراتیک و ملی است که می‌تواند افغانستان را به استقلال اقتصادی، ترقی اجتماعی و فرهنگی، تأمین حقوق و آزادی‌های وسیع دموکراتیک نایل گرداند و در نتیجه شرایط مساعد برای رشد و تکامل نیروهای مولده و بیداری شعور طبقاتی و سیاسی خلق کارگر افغانستان پدید آید و ارتجاع را از کشور نابود کند.

در(ص ۳)

بیانیه وکیل ببرک کارمل در باره سیاست خارجی کشور

در جلسه استیضاح سه شنبه ۳۱ ثور ولسی جرگه از حکومت

به همگان معلوم است که پاکستان، ایران و ترکیه در حلقه‌های زنجیر پکت‌های تجاوزکارانه و استعماری سنتو، سیاتو و ناتو بسته‌اند و بخصوص پکت سنتو و سیاتو در همجواری افغانستان موجب نگرانی همیشگی مردم کشور ما بوده است. شاید بعضی‌ها چنین اظهارنظر کنند که نقش این پکت‌ها در اثر تغییر اوضاع جهان و مقاومت نیروهای صلح و آزادی و دموکراسی، رو به ضعف می‌گراید. ولی باید در نظر داشت که این پکت‌ها با نقشه‌های متنوع و همه‌جانبه نظامی، اقتصادی و سیاسی در همجواری کشور ما بصورت متعرض تر و زرنگتر نقش خود را بازی می‌نمایند و بنا بر شیوه‌ها و اشکال مختلف استعمار جدید، خصوصیت ضد صلح و ضد نهضت‌های آزادی‌بخش ملی و دموکراسی آن از شمال غرب اروپا تا جنوب شرق آسیا پابرجاست. باید خاطرنشان گردد که طبق اسناد محرمانه سنتو و سیاتو، افغانستان نیز در حلقه پلان تعرض و مداخله وی آن‌ها شامل می‌باشد و به نحوی از انحا خصوصیت مداخله استعماری آن‌ها در سرنوشت کشور ما مشهود است. اسنادی موجود است که نقشه‌های هجوم سنتو را به کشورهای بی‌طرف نیز نشان داده است و نابودی بعضی از مناطق افغانستان از آنجمله ناحیه کابل جز این نقشه می‌باشد. واضح است که دایره های تجاوز کار سنتو و سیاتو کشورهای مستقل و بی‌طرف را نیز که در مناطق آن‌ها وجود دارند، جز »دایره فعالیت «خود بحساب می‌آورند.

در پیمان سیاتو ماده یی راجع به مداخله و تعرض در مورد قلمرو افغانستان وجود دارد و ضربه اولی آن متوجه سرکوب کردن جنبش‌های رهایی‌بخش ملی خلق پشتونستان و بلوچستان است.

اکنون علی‌رغم سیاست بی‌طرفی کشور ما، بنا بر نفوذ سیاسی ایدیالوژیکی و اقتصادی استعمار در کشور، بخصوص در محافل دست راستی و افراطی حاکمه کشور و همچنان در دهلیزهای وزارت خارجه، از چندین سال به این طرف مفکوره داخل شدن افغانستان در پیمان‌های منطقوی پاکستان، ایران و ترکیه وجود دارد.

خاصتاً درین اواخر راجع به شرکت به اصطلاح در پیمان عمران منطقوی که شامل ترکیه، ایران و پاکستان می‌باشد، تبصره‌هایی در محافل سیاسی کشور بعمل می‌آید. و یک سلسله فعالیت‌های سیاسی و دیپلوماتیک نیز در جریان است. پیمان عمران منطقوی که در ۱۳۴۳ در انقره امضا شده، ظاهراً برای آن بود که سه دولت مذکور با پیشبینی شمول افغانستان در این پیمان وزن بیشتری در عرصه سیاست جهانی بدست آورند و از حامیان امپریالیستی خود امتیازات اسارت آور دیگری حاصل کنند.

همچنان این پیمان نتیجه تحولاتی است که در صحنه بین‌المللی از جهت تغییر تناسب قوا روی می‌دهد و حاکی از بحران پیمان سنتو است که کشورهای پاکستان، ایران و ترکیه با ایجاد پیمانی که ظاهراً امپریالیست‌های آمریکا و انگلیس در آن شرکت ندارند با رنگ ظاهری اسلامی جنبه عوامفریبانه به آن می‌دهد و در عین زمان ضد جنبش ملی و مترقی اعراب نیز می‌باشد.

ما انتظار داریم که بناغلی اعتمادی صدراعظم و وزیر خارجه در زمینه توضیحات بدهند و حقایق را از عقب پرده بیرون بکشند و نیات واقعی محافل حاکمه کشور و از آنجمله حکومت‌های افغانستان را درین باره توضیح نمایند.

و همچنان در روشنایی این موضوع راجع به سفر بناغلی رییس‌جمهور ترکیه در کشور ما و اینکه چرا حکومت‌های افغانستان در اعلامیه‌های مشترک رسمی خویش از حق تعیین سرنوشت ملت پشتونستان و بلوچستان تذکری بعمل نیاوردند، توضیحاتی به مجلس ارایه کنند.

نکته دیگر قابل توضیح اینست که بناغلی اعتمادی در خط مشی خویش در باره پشتونستان نسبتاً نظریات مشخصی ارایه کرده بودند. لطفاً در زمینه توضیح بدهند که تا اکنون در زمینه جنبش نجات‌بخش ملی پشتونستان چه اقدامات موثری در داخل کشور و در خارج صورت گرفته است.

در خاتمه لازم می‌افتد که حکومت یکبار دیگر راجع به سیاست خارجی افغانستان و بخصوص موقف افغانستان را در باره مذاکرات پاریس که بین نمایندگان دولت مستقل جمهوریت دموکراتیک ویتنام و تجاوزکاران آمریکایی در جریان است و همچنان سیاست اشغالگرانه اسراییل و توطیه امپریالیست‌ها را علیه مردم آزادیخواه اعراب توضیح و روشن نمایند.

ببرک کارمل

طبقات و مبارزه طبقاتی

-۴-

مبارزه سیاسی:

در گذشته توضیح گردید که مبارزه ایدیالوژیک زحمتکشان مانند مبارزه اقتصادی آن‌ها به خودی خود هدف بشمار نمی‌رود. این مبارزات اساساً تابع وظایف سیاسی جنبش، تابع از بین بردن سلطه سیاسی بورژوازی و برقراری سلطه سیاسی زحمتکشان می‌باشد.

به همین جهت عالی‌ترین شکل مبارزه طبقه کارگر عبارت از مبارزه سیاسی آن است.

با رشد و تکامل زحمتکشان، مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه‌داری به یک نیروی اجتماعی تبدیل می‌گردد و بدین ترتیب مبارزه طبقاتی (طبقه کارگر) در شکل سیاسی خود بروز می‌کند. زحمتکشان از راه مبارزه اقتصادی تا حدود معینی می‌توانند شرایط مادی خویش را بهتر سازند و تا حدود معینی سرمایه‌داران را به گذشت‌های جزیی وادار نمایند، ولی نمی‌توانند کاملاً از یوغ ستم و استثمار نجات یابند، زیرا در پهلوی سرمایه‌داران، حکومت بورژوازی قرار دارد که اعتصابات کارگران را سرکوب و تخریب می‌نماید و در برابر فعالیت سازمان‌های کارگری (اتحادیه‌های کارگری و غیره) موانع ایجاد می‌کنند. تجربه نشان می‌دهد که زندگی طبقه کارگر می‌آموزد که نه تنها علیه کارفرمایان خویش بمبارزه برخیزد، بلکه باید علیه حکومت بورژوازی که منافع طبقه سرمایه‌دار را بطور کل محفوظ می‌دارد، مبارزه کند.

معهذا خاطرنشان می‌گردد که مبارزه متکامل سیاسی صرف وقتی امکان‌پذیر است که طبقه کارگر و یا حد اقل بخش پیشاهنگ آن شعور طبقاتی حاصل کند و منافع خویش را بدرستی بفهمد.

در (ص ۳)

س. کشتمند

وضع تجارت پشم

اخیراً دستگاه‌های تبلیغاتی حکومت اطلاع دادند که تجویز گردیده بمنظور کمک به مالداران و تشویق صادرات، از تاریخ پانزدهم ثور به بعد، در برابر اسعار حاصله از فروش پشم در حوزه بارتری چهل و پنج افغانی فی دالر (نرخ رسمی) و در حوزه آزاد بر علاوه چهل و پنج افغانی، ده افغانی دیگر بعنوان سبسایدی (تقاوی) که مجموعاً پنجاه و پنج افغانی می‌شود، به تجار صادرکننده پشم پرداخته زمینه جهت چپاولگری و استثمار بیشتر بوسیله تجار بزرگ می‌باشد، سرپوش گذاشتن است.

توجه بفرمایید که چنین اعلانی بتاریخ پانزدهم ثور صورت می‌گیرد، درحالی‌که قبلاً قسمت اعظم پشم حاصله از شروع سال تا این تاریخ به قیمت‌های هرچه ارزان‌تری از طرف تجار بزرگ صادرکننده و جلابان محلی خریداری گردیده است و تازه از کجا معلوم که تا یک مدت کوتاه دیگر، یعنی تا ختم ماه جاری که فصل خریداری پشم است، مالداران ازین فیصله نابهنگام بی‌اطلاع نمانند و پشم حاصله خود را به قیمت‌های بلند تری عرضه کرده نتوانند. در صورتی که چنین اعلانی قبل از آغاز سال جاری بعمل می‌آمد و قیمت بالنسبه مناسب و معینی برای خرید فی واحد مقدار پشم موجود می‌بود و توأم با این اعلان قیمت آن نیز ارتقا حاصل می‌کرد، آنگاه مقامات مربوطه از خود رفع مسئولیت (!) و ادعا می‌کردند که گویا برای تقویه مالداران چنین تجویزی را اختیار کرده‌اند. درحالی‌که از چند سال به اینطرف قیمت معینی برای خرید پشم تعیین نگردیده است، بنا برین مالداران کوچک که بالعموم کوچی‌اند و از اینطریق امرار معیشت می‌نمایند، مجبورند با رقابت همدیگر، پشم دست داشته خود را به قیمت‌های نازلی به یک تعداد محدود تاجران بزرگ سود پرست و جلابان سود خوار و بی‌رحم بفروش برسانند.

بوضاحت معلوم می‌گردد که هدف ازین اقدامات مبنی بر پرداخت پول بیشتر افغانی در برابر اسعار ماحصل صادرات پشم، پخته، قره قل و غیره علاوه بر تقویه بازهم بیشتر تجار بزرگ و تشویق آن‌ها جهت صادرات خواهد شد. درحالی‌که قبلاً در بدل فی دالر سی و هشت افغانی تادیه می‌گردید.

هرگاه چنین تجاویزی را بعنوان تشویق و تقویه تاجران بزرگ دلال (کمپرادورها) اعلان می‌کردند، بجا بود، ولی آنرا بنام کمک به مالداران و آنهم مالداران کوچک که مورد استثمار مالداران بزرگ، دلالان و جلابان قرار می‌گیرند، جا زدن روی اصل واقعیت موضوع، که مساعد ساختن

در (ص ۳)

د عبدالصمد خان اچکزی دوباره بند

د آزادی د لاری یو مشر او د باچا خان یو مخلص او وفادار ملګری چه وروسته لکه لس کاله سیاسی بنده خوشی شوی و، دری هفتی مخکښی د پاکستان د استعماری حکومت له خوا بیا نیول شوی او تر مراقبت لاندی دی.

پرچم: د پاکستان د حکومت د دی تیری له کبله د خپل تاریخی ماموریت پر بنا د پاکستان پر استعماری حکومت باندی کلک احتاج کوی او د پښتونستان له آزادی غوښتونکی او مبار ولس سره د ملی آزادی‌بخشونکی مبارزی په لاره کی د بری تر پولی پوری خپله ملګرتیا او بشپړ ملاتړ اعلاموړ.

د پښتونستان د ملی آزادی نهضت د ځوان مشر وینا

د خان عبدالولی خان د هغی شفاهی وینا متن چه آزادی او خپلواکی د شهیدانو د ورځی په مناسبت ئی د ثور په (۳) د پښتونستان د ولس د لویی مظاهری په وخت کښی کړی وهڅ

محترم صدر صاحب، زما مشرانو همزولو او کشرانو ورونو!

نن لکه څنګه چه تاسو ته زمانه مخکښی، د وطن نومیالو شاعرانو وویل، د شهیدانو ورځ ده. شاعران ټول عمر په جذباتو کښی وی او هغوی د قوم جذبات هم را لړزوی ولی زه به پاڅیدلی یم، زه نن تاستو ته یو جذباتی تقریر نه کوم.

زه په بعضی داسی مسئلو باندی خبری کوم چه هغه دی ملک ته پیښی دی او د هغو مسئلو براه راست تعلق له دی شهیدانو سره دی، چا چه دی ملک د آزادۍ دپاره د خیل سر قربانی ورکړه، تاسو ګوری زما خیال په دی وخت کې یوې واقعې ته لاړ شی، کال ۵۷ په شاهی باغ کی دلته د پیښور نه بهر زمونږ کانفرانس او د کانفرانس په خاتمه باندی بیا مونږ د قصه خوانۍ شهیدانو له راغلو، په هغه کانفرانس کې مونږ سره د پاکستان د نورو صوبو نه ډیر لوی لوی مشران راغلی وو. مونږ چه را ورسیدو زمونږ د پنجاب یو ملګری میا افتخارالدین له ما سره ولاړو.

ما ته یې وویل، تاسو کوم خوا ځی، ما وی مونږ څو شهیدانو له وی تاسو خو ډولونه را اخیستی دی. ما وی ژوندی قامونه خپلو شهیدانو له په ډول او په سر ناځی (چک چکی)، ماوی دا ژوندی قام دی، دوی خپلو شهیدانو پسی ژاړی نه، دوی خپلو شهیدانو پسی ویر نکوی، دوی خپلو شهیدانو له په ګډا ځی، په ډول ځی، په سرنا ځی، لکه څنګه چه نن مونږ داغلی یو او زه تاسو ټولو ورونو له مبارکی در کوم، چا چه خپل نوکرۍ قضا کړیدی، چا چه خپل دکانداری قضا کړیدی، او د عقیدت یو څو ګلونه مو دې شهیدانو له راوړی دی ...

نن هم مونږ په ډول او په سرنا راغلي یو، په ګډا راغلی یو، او په ډزو او په ګولو راغلی یو، مونږ له د خپلو شهیدانو یاد پدې طریقه ښایی. زه ستاسو د ټولو ډیر مشکور یمه چه ددی دومره ناوزګارتیا باوجود مو دومره وخت پیدا کړی دی چه دې شهیدانو له راغلی یاست. اوس د مطلب خبری له درځو چه دی شهیدانو د څه لپاره قربانی کوله او په کوم غرض دوی پاڅیدلی وو؟

تاسو ته معلومه ده چه دا هغه زمانه وه چه د پرنګی لمر په ټوله دنیا کی نه ډوبیدهړ او د هغه پرنګی طاقت ته د ټول هندوستان خلک په شریکه پاڅیدلی و او د هغه ګریوان به یی لاس اچولی و – خلکو به وی لیونی دی. زمونږ په ملک کی به خلکو ویل، باچا خان لیونی شویدی، غره له په. پرنګی چا هسی په تبن لاس له ملکه ویښته دی؟ مشرانو به وې چه زمونږ ته خپلو مشرانو ویلی دی چه پرنګی کله له دی ملکه څی نو دوه فوټه سکه به په دې ملک باند غورځوی.

ولی د داسی ننګیالیو شهیدانو برکت و، پرنګی داسی ووت چه څوک هډو پوه هم نشو چه څو مونږ را پاڅیدو هغه خپله بستره غونډه کړی وه. ولی سوال دا دی چه پرنګی خلاف قام پورته شوی و ... ولی پورته شوی و؟ په غټه پښتو به درته ووایم، باچا خان به تاسو ټولو ته وې چه پرنګی د دی ځای نه لری د شپږ زره میله څخه راغلی دی او دهغه پنجابی ستاسو د ملک په آمدن بانیی آبادیږی. هغه په غټه پښتو دا خبره کوله چه مونږ د ملک نه ټول پرنګی یو ورځ او تش سپینی رڼا شومبړی زمونږ د پښتنو بچو ته پاتی دی. هو هغه وې که پرنګی له دی ملکه وځی، او تاسو خلک همت وکړی او ټول قام پاڅی نو دا کوچ به ستاسو بچو ته پاتی شی. کله چه قام پاڅیدو، همت یی وکړ، توره یی وکړه، قربانئ یی ورکړی، په سوو په زرګونو میرمنو پکښی کوندی شوې، په زرګونی بچی پکښی یتیمان شول او دغه یی نتیجه شوه چه پرنګی له دی ملکه کډه وکړه. ولی نن د »آزادۍ «شل کاله وشول. نن مونږ ددې ملکه د آزادۍ دپاره کومی قربانی ورکړی وی، د هغی د پښتون ځولی ته څه خیر پریووت؟ نن د حساب کتاب ورځ ده، نو ځکه زه تاسو ته وایم چه زه جذباتی تقریر نه کوم. زه حساب کتاب ته و دریدلی، زه نن حکومت سره حساب کتاب کوم (چک چکی).

باچا خان خو وی چه پرنګی له دې ملکه کډه وکړی او مونږ د خپل

(پاتی په دریم مخکی)

تلخیص و ترجمه: میر اکبر خیبر

وضع کنونی جنبش آزادی‌بخش ملی

-۲-

ولی در شرایط امپریالیزم تنها تحصیل استقلال سیاسی نمی‌تواند مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق را از مواضع ملت‌های استثمار شونده نجات دهد. بلکه بحیث پایگاه اقتصادی امپریالیزم باقی می مانند. همین سیستم بین‌المللی کنترول اقتصادی و استثمار است که در برابر جنبش‌های آزادی‌بخش ملی وظیفه مبارزه در راه آزادی اقتصادی را »قرار می‌دهد .«بوجود آمدن سیستم سوسیالیستی که به تسلط کامل امپریالیست‌ها بر اقتصاد جهانی خاتمه داد، اجرای این وظیفه را ممکن و میسر ساخت. بدین مناسبت روشن است که مبارزه در راه آزادی اقتصادی خصلت عمیقاً ضد امپریالیستی دارد.

علاوه بر آن، انتخاب راه رشد در کشورهای مستعمره و وابسته سابق در جریان جنبش آزادی‌بخش ملی تعیین می‌گردد و به جنبش محتوای اجتماعی تازه‌ای می‌بخشد. مسأله انتخاب راه رشد در برابر جنبش‌های سابق قرار نداشت و هم نمی‌توانست داشته باشد چه جنبش‌های پیشین محض راه را برای رشد سرمایه‌داری می‌گشود.

امروز امکانات دو راه رشد: سوسیالیستی و سرمایه‌داری وجود دارد. طبیعی است که بورژوازی و نیروهای مربوط به آن به حمایه امپریالیزم سعی می‌ورزند تا کشورهای نو بنیاد را براه سرمایه‌داری سوق دهند. ولی قاعدتاً بورژوازی محلی در این کشوها ضعیف است و خود را در وضع بمراتب پیچیده‌تر و نامساعد تر از آن می‌یابد که بورژوازی کشورهای عمده سرمایه‌داری در آغاز انکشاف خود به آن مواجه بود. بورژوازی در آن کشورها زمانی بروی صحنه تاریخ ظاهر شد که سرمایه‌داری جای فیودالیزم را می‌گرفت و در مرحله مترقی تر از رشد اجتماعی قرار داشت. رشد مناسبات سرمایه‌داری در بسیاری از کشورها (به شمول اضلاع متحده آمریکا که در سابق مستعمره بود) تهدابی را برای ترقی سریع اقتصادی و تخنیکی آن‌ها بوجود آورد و آن‌ها را به دولت‌های پیشرفته و متقدری مبدل کرد.

اما امروز وضع کاملاً متفاوت است. در شرایط کنونی سرمایه‌داری رو به زوال است و نمی‌تواند اساسی را برای تجدید حیات ملی مستعمرات و نیمه مستعمرات بوجود آورد. در نتیجه نیازمندی عینی آزادی اقتصادی و از بین بردن زمینه‌های استقرار مجدد تسلط استعماری امپریالیزم، خصوصیت جنبش‌های آزادی‌بخش ملی را تعیین می‌نماید.

رشد بیشتر این جنبش‌ها، شرایط قاطع قبلی را برای ترقی در جهت سوسیالیزم بوجود می‌آورد.

تازه‌ترین تجربه تاریخی در عده‌یی از کشورهای به آزادی رسیده ثابت می‌نماید که هرگاه این کشورها خواسته باشند از قید وابستگی به انحصارات امپریالیستی رهایی یابند و به عقب‌ماندگی خود خاتمه دهند، به پیشرفت سریع و پایداری ضرورت مطلق دارند. که سرمایه‌داری موفق نیست چنین پیشرفتی را برای آن‌ها بار آورد.

علاوه بر آن، سرمایه‌داری نمی‌تواند امکاناتی را برای کشورهای رو به انکشاف بوجود آورد که بواسطه آن فاصله وسیعی را که بین اقتصادیات آن‌ها و قدرت‌های عمده امپریالیستی وجود دارد، تا اندازه قابل‌توجهی کم سازد.

قرار تخمینات علمای اقتصاد اگر بعضی از مستعمرات سابق به سرعت فعلی به پیشرفت خود ادامه دهند، منتها در اخیر قرن ۲۱ به مرحله فعلی رشد کشورهای سرمایه‌داری اروپا خواهند رسید.

این وضع در درجه اول وابسته و مربوط به تأثیرات زیان‌آور تقسیم سرمایه‌داری بین‌المللی کار و استثمار قسمت اعظم نفوس جهان از طرف شرکت‌های انحصاری امپریالیستی می‌باشد، که تلاش دارند تسلط خود را بالای کشورهای مستعمره سابق که آزادی خود را بدست آورده‌اند ولی جز سیستم سرمایه‌داری می‌باشند، حفظ نمایند. هکذا مقاومت مستقیم انحصارات خارجی در برابر بوجود آمدن سرمایه ملی، امکانات رشد سرمایه‌داری را در این کشورها محدود می‌نماید، و همین مقاومت آن‌هاست که گاهی در جهت مخالف استراتیژی جهانی امپریالیزم، که هدف آن استقرار نظام سرمایه‌داری در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره سابق می‌باشد، عمل می‌نماید.

طرقی را که کشورهای سرمایه‌داری اروپا و اضلاع متحده آمریکا از قبیل جنگ‌ها، غرامات جنگی، استثمار استعماری غرض تسریع رشد صنعتی خود بکار بردند، بروی کشورهای نو باستقلال رسیده مسدود است. در عین زمان ناجوری‌های ذاتی نظام سرمایه‌داری در شرایط این کشورها، که اقتصادیات آن‌ها را بی موازنگی استعماری، بقایای فیودالی و ماقبل فیودالی و دیگر بازمانده‌های تاریخی در وضع بدی قرار داده است، وخیم تر می‌گردد.

بورژوازی محلی مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق قاعدتاً ضعیف است و مجبور می‌شود تا در برابر جریان نیرومند احساسات ضد سرمایه‌داری خلق‌ها که محصول تجارب تلخ دوران تسلط استعمار و نمونه کشورهای سوسیالیستی می‌باشد، حرکت نماید. محافل با نفوذ بورژوازی محلی که به ملاکان بزرگ و انحصارات خارجی وابستگی دارند حاضرند که عجالتاً نقش شریک کوچک آن را بازی کنند. این حالت، رشد سرمایه‌داری را بالخصوص برای توده‌ها بسیار دردناک می‌سازد. بالأخره آنچه اهمیت بزرگ و شاید قاطع دارد، این حقیقت است که سرمایه‌داری بحیث منبع درد و آلام برای توده‌های مردم و وسیله ثروتمند شدن یکعده محدود از طریق استثمار و تحت ستم قرار دارد. اکثریت عظیم خلق‌ها نتوانسته و نمی‌تواند دورنمای الهام بخشی را برای توده‌ها در کشورهای نو به استقلال رسیده ارایه کند و انرژی آن‌ها را در راه اعمار مجدد ملی بسیج نماید.

عدم موفقیت مشی سرمایه‌داری در حل پرابلم‌های آزادی و تجدید حیات ملی، باعث بوجود آمدن بحرانات عمیقی در رژیم‌های بورژوایی عده‌یی از کشورهای نو بنیاد گردیده است، که در نتیجه آن قدرت سیاسی زمانی بدست نیروهای دموکراسی انقلابی می‌افتد و گاهی دکتاتورهای نظامی ضد ملی زمام امور را در دست می‌گیرند.

اگر وضع این کشورها را در روشنی وضع بین‌المللی و مجموع روابط معاصر سرمایه‌داری و تمام خصوصیات دوران جدید مورد مطالعه قرار دهیم، آنگاه واضحتر می‌گردد که سرمایه‌داری دیگر نمی‌تواند اساسی را برای پیشرفت کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره سابق بوجود آورد. سرمایه‌داری بمثابه یک سیستم، دیگر کهنه شده است. این سیستم حتی

در (ص ۳)

شرعی جوزجانی

تانگ آتکنده کوره میز!

کوک یوزینی باسماق او چون، آغیر قرابو لوتلر
گولدیره شیب هیقریشیب چا په دی
قراتو من ...
آقه باقه کیز ماق او چون ...
****
یل تللگن یولدوزلر نینگ یرگه تیکیلگن کو زی ...
بر آزیبب قاله دی.
قرابولو تلر سیو نیب ...
قوانچلیک لقاره سین چاله دی.
****
کیچه ...
قرانغو کیچه ...
تار تیلگن آی نینگ یوزیک بن قرا پرده لر،
ساور رشمال نینگ قولی قرانغونیک خرمانین.
نور که قرشی ظلمتلر ...
او نی یوقاتیش قصدیده شدت کیلن تاشور.
مگر بو ممکن می؟
یوق!
هرقنچه هم قوققیلله سه قوققیللین بای اوغلیلر!
هر قنچه هم او چسه او چسین هر یاقه کور شو پلک لر!
تانگ آنکو نچه گولد یره سین چا پسین قرابو لو تلر!
تانگ آتکنده کوره میز!
هلی توخته! یارو قلیک نینگ یارقین نیزه سی تیشسن ...
قرانغو لیک کو کسینی!
هلی توخته! نور لیک قویاش (۱) آسمان ساری کوتر سین ...
اوز پارلاق (۲) بیراغی نی!
کوتاریلگن ساری بویارقین بیراغ ...
یر یوزیگه ساچکی قوتلوغ (۳) نورینی،
او نینگ تو غر یسیده چیده یا لمدن
نابود بولگی بردن قرانغولیکلر.
اونده طنطنه بیلن:
یروکو کده دور سورگی ...
فقط یا رو قلیک ... فقط نور!

---

(۱) گونش، آفتاب (۲) یارقین یاقتی، درخشان (۳) فیض بخش

یوه شیبه له دوستانو سره

گران دوست ایوب زاده کارگر!

ستاسو له کارګری تودو احساساتو ډک شعر ولوستل شو. ستاسو درک د ښار او کلی د کارګرانو او زیار ایستونکو د هستوونکی رول په باره کی، ډیر عالی دی.

ګرانه دوسته!

مور پدې حقیقت کی ستاسو سره بشپړه ملګرتیا لرو چه د افغانستان د نوی ژوند، نوی هستی او نوی کلتور د بنسټ ډبره به ستاسو د ښار او کلیو د کارګرانو په لاس کیښودل شی. دا دی دلته ستاسو د شعر دوه بیتونه اقتباس کیږی:

را خیروم دا اسکریلی زړونه
په اور کباب سوی څو ځلی زړونه
ستاسو د مټ ټمر مو بل څوک ختی
نا خبر ناست یاست ډیر ترټلی زړونه

ښاغلی محترم مولا داد!

شما ضمن ابراز تشکر و امتنان از نشر خبر مرگ برادرتان کارگر شهید محمد عارف در شماره هفتم جریده پرچم و آزادی موفقیت این نشریه در دفاع از حقوق طبقات محروم، بخصوص کارگران کشور می‌نویسید:

«قانون کار و کارگر که از سنه (۱۳۳۰) تا حال مورد تطبیق قرار دارد، با شرایط موجوده کارگران افغانستان تطابق و هماهنگی ندارد. از آنجایی که قانون کار و کارگر باید از حیات و آرزوهای کارگران زحمت کش افغانستان در مقابل کارفرما دفاع و پشتیبانی کند، نباید به شکلی باشد که به مفاد کارفرما و به مفاد استثمارگران که از سال‌های متمادی حقوق این کتله ضعیف را خورده و برده‌اند، تمام شود، چنانچه ماده (۳۸) قانون کار و کارگر می‌نویسد: "کارفرما مکلف است که به وارث شرعی عمله جاتیکه در کار و یا در اثنای کار هلاک می‌گردند، معادل دو سال آخرین حق‌الزحمه متوفی را یکدم تادیه نماید، مشروط بر اینکه حد اکثر این مبلغ از (۱۲۰۰۰) افغانی تجاوز ننموده و حد اقل آن از مبلغ (۴۰۰۰) افغانی کم نباشد". وقتی عمیقاً در این ماده غور کنیم، از تعداد عایله و تعداد سال‌هایی که یک کارگر در یک تصدی و یا موسسه زحمت‌کشیده تذکری نداده و نیز گفته است در اثر تغییر اوضاع اقتصادی به وارثین یک کارگری که تلف شده چه حقوقی باید داده شود، و تلقی به آن می‌شود که فامیل یک کارگر تلف شده که پنج طفل و یک خانم دارد، به وضع رقت‌باری زندگی نموده و اطفالش از دنیای تعلیم و تربیه بی‌بهره مانده و بار دوش جامعه می‌شود.

خواهش می‌کنم تا هرچه زودتر قانون جدیدی که در آن تمام آرزوهای مشروع کارگران ستمدیده افغانستان در نظر گرفته شده باشد، تدوین و بعد از گذشتاندن مراحل قانونی در مرحله تطبیق و اجرا قرار بگیرد.»

ما درحالی‌که یکبار دیگر تاثرات عمیق خود را نسبت به این حادثه دردناک بشما و تمام کارگران کشور اظهار می‌کنیم، انتقاد و تقاضای شما را در زمینه تجدیدنظر بر قانون کار و کارگر در افغانستان، مطابق به روحیه عصر و ایجابات شرایط نوین زندگی جدا تأیید می‌نماییم و درین راه مبارزات پیگیری خود را دنبال می‌کنیم.

دوست محترم س. امان کارگر!

نامه شما منعکس‌کننده وضع رقت‌بار کارگران بود. درست است که شرایط کار زحمتکشان افغان خیلی نامساعد است. مزد اندک به آنان پرداخته می‌شود. آینده مصئون ندارند، کار توان‌فرسا و استثمار شدید آنان را رنج فراوان می‌دهد. دوست عزیز! تنها با تصویر زندگانی نابسامان کارگران کاری ساخته نمی‌شود. باید شما و سایر عناصر آگاه طبقه کارگر افغانستان رسالت عظیم خود را تشخیص نمایید و در راه دموکراسی، تأمین استقلال ملی و ترقی اجتماعی و صلح پایدار دوشادوش سایر نیروهای ملی دموکراتیک و ترقی‌خواه گامهای آزادی‌بخشی بردارید و پرچم مبارزه را تا پیروزی نهایی بر افراشته نگهدارید.

دوست گرامی عزیز مختار!

مطالبات قانونی‌تان در باره علت خاموش بودن جریده «نغمه آزادی» بدون کم و کاست نشر می‌شد، چون عین مطالب در جریده دیگری انتشار یافته بود، بنا بر آن از نشر مکرر آن خودداری گردید ولی پرچم از هر نغمه‌ای که بخاطر آزادی و دموکراسی بلند گردد به گرمی استقبال می‌کند و آنرا موافق با مصالح ملی خود می‌داند.

دوست گرامی ا. ت. از ریاست سپورت معارف

مضمون شما تحت عنوان «فقر و گرسنگی» مطالعه گردید. دوست عزیز این حرف شما کاملاً صحیح است که در جوامع طبقاتی زندگی بر روی مشت معدودی از ثروتمندان می‌خندد و اشک بینوایان قطره‌قطره می‌ریزد تا روزی سیلاب‌ها را بپا کند. ولی چاره این دردهای زندگی را شما خود قسماً تشخیص کرده‌اید که اینکه چند سطر آنرا بدون کم و کاست اقتباس می‌کنم: «زندگی صحنه مبارزه است و نخستین عامل بزرگ و مهمی که شالوده حیات افراد و جمعیت های بشری را مستحکم می‌دارد، همانا همت عالی در راه مبارزه است» کارکنان پرچم امیدوارند که در راه تحقق آرمان‌های ملی خود مبارزه و تلاش پیگیر نمایید.

دوست جوان ما سید عثمان مطیعی!

پارچه ادبی شما تحت عنوان «بهار از هر نگاه» با علاقمندی مطالعه گردید. بهاری را که شما تصویر کرده‌اید با بهار شاعران ظاهرپرست کوته اندیش و خیال‌باف خیلی متفاوت بوده و به واقعیت‌های سرسخت زندگانی رقت‌بار مردم ما نزدیکتر است. بیاد باید آورد که نجات خلق‌ها ازین وضع با تصویر چهره عبوس زندگی و داد و بیدادها امکان‌پذیر بوده نمی‌تواند. باید در پدیده‌های ادبی و فرهنگی راه نجات و رهایی را نیز به خواننده نشان دهید.

چون نامه‌ها و مطالب دوستان فراوان است، بنا بر آن صرف با نشر یک پاراگراف آن اکتفا می‌کنیم.

«بیایید بهار را از چشم دیگران ببینیم. آیا بهار با همه زیبایی خود می تواند رنجهای بیکران خلقهای ستمکش را دور کند. دهقان دل زمین را میشگافد، قشرهای زیرین ولی نیرومند را بالا می‌آورد، تخم می پاشد و جان می‌کند برای آنکه مالک (شکم گنده) ثمر آنرا بخورد ... آیا بازهم بهار زیبا می‌تواند رنج تیره بختان کشور ما را دور کند؟ »

جولیوس فوچیک

گوستافو چیکوا

ترجمه از: م. «بری»

طوری سخت کوبیده شده بود که حتی در هنگام نشستن درد می‌کشید. نگاهم را بسوی دیگری بردم تا عواطفم را مخفی سازم. چشمانم را که رمز نگریستن را برای جستجوی احتمالی دیگران فرا گرفته بود گشتاندم.

آشنای دیگری ... برادر زن جلینک ... پاولیک هژده ساله. چشمان ما باهم دیگر در آمیخت ... »ما همدیگر خود را نمی شناسیم«

-پسرکم ...!

تو چرا اینجایی؟ ...

او با جلینک زندگی می‌کرد و هنگامی که من به دیدار جولیوس می‌رفتم، او را می‌دیدم ... همیشه مانند پرنده‌های سبکبال می‌جست و به تندی می‌پرید.

دروازه بار دیگر باز شد، محافظین رفقای دیگر ما را رهنمایی می‌کرد. ریوا فردووا و شوهرش.

آن‌ها آهسته گام می‌برداشتند. آن‌ها را به چوکی کنار من انداختند. او با احتیاط به چوکی نشست. موهای سر خود را شبیه موهای من بسته بود. با یک نفس زمزمه کردیم »ما همدیگر خود را نمی شناسیم «ولی هنگامی‌که گشتاپو او را به محل دیگری کشاند، ریوا به سختی و ناآرامی بجایش نشست. دروازه بارها ماند تلاطم باد به تندی باز می‌شد تا شاید کسی را بداخل اطاق بکشانند.

خون از لابلای لباس زندانیان بیرون می‌ریخت و چوکی‌ها، سطح زمین و دیوارها را لکه‌دار می‌ساخت.

مردی را با لباس کارگری به داخل آوردند و وادارش کردند که در برابر قفس زرد کتاب‌ها بایستد. او اجازه نداشت بنشیند و یا جلوی باز و بسته شدن بی‌اختیار دهن خود را، که مانند یک پرنده زخمی می‌نمود، بگیرد.

شاید دهنش بعد از شکنجه خشک شده بود.

اجازه نداشت لیوان آب بخواهد و جبراً باید محمل می‌کرد. پاهایش توان برداشتن بدنش را از دست داده بود. آن‌ها او را به شدت تکان می‌دادند و بدون آنکه کسی کمکش کند، به زمین می‌افتاد.

یکی از محافظین (که بعدها فهمیدم نامش یوچک بود) بطرف دستشوی رفت و جکی را پر از آب کرده بازگشت و به صورت او پاشید. او را به شدت دشنام داده و با لگد می‌کوبیدند. حتی یک جرعه آب هم برایش ندادند. این حادثه در آن شب بارها تکرار شد. بیشتر از آنکه من بتوانم شمار آنرا در حافظه‌ام بسپارم.

نام آن مرد بارتون و رفیقش در ناحیه کار – جونکر بود.

در آن لحظات نتوانستم او را بشناسم، برای اینکه قبل از دستگیری‌ام او را ندیده بودم.

نیروی بارتون در اثر شکنجه‌ها و احساس مسئولیتش از ناحیه دستگیری خطرناک دسته‌جمعی رفقا به کلی به تحلیل رفته بود.

ما توسط واکلف دوارک خائن که بارتون مسؤول حزبی‌اش بود، به گیر رفته بودیم. بعدها من این دوارک کثیف را در بین »چهار صد «زندانی دیدم. او جدا از سایر زندانیان مانند علف هرزیی ایستاده بود. قاعده‌اش را مانند مسخره‌های معمولی می‌جنباند. در چهره‌اش بعد از بازگشت از بازپرسی هیچ نشانه از تعقل و شهامت وجود نداشت.

رضائیت در چشمانش برق می‌زد. دهن خائن خود را بارها با دستش خشک می‌کرد. او یک آبخوری بیری هم داشت. گشتاپوها با احتیاط با او معامله می‌کردند. آن‌ها با او هیچ کاری نداشتند، حتی آنکه تیز تر برود، او را مانند دیگران تکان نمی‌دادند. لفظ نفرت‌انگیز »خائن «در پیشانی خزنده مانندش می‌درخشید. به روی هیچکدام ما نگاه کرده نمی‌توانست. بدون شک وجدان گنه‌کارش دیگر او را از کار باز داشته بود.

اگر او می‌توانست اندیشه ما را بخواند ...

مرد رزیل و پست افسوس، سخت افسوس که ترا خیلی دیر شناختیم. مدت‌ها پس از رهایی از زندان فهمیدم که او ماهانه ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ کرون به اضافه انعام‌هایی که از ناحیه »اسناد مخصوص «برای کار زشتش دریافت می‌داشت، از آلمان‌ها مزد می‌گرفت.

چند روز بعد که بارتون از نتیجه خطرناک اعتماد و مسؤولیت خود نسبت به دوارک خائن واقف شد، خود را برای مرگ از پنجره »چهار صد« پایین انداخت.

- من بر چوکی نشسته بودم. در مغزم اندیشه‌های گوناگون منفجر می‌شد. چرا جلینک اینجاست؟ چرا فریدو ویس؟ چه ارتباطی بین آن‌ها و من در میان است، که ناگهان دروازه مجدداً با شدت باز شد.

- جولیوس!

گشتاپوی قد بلند با چهره پریده و گونه‌های گود رفته که بیشتر شبیه استخوان‌های صورت یک جمجمه بود، جولیوس را با چماق رهنمایی می‌کرد.

پاهای جولیوس برهنه بود و خون‌هایش بر سطح اتاق می‌ریخت. خونی که از بینی و دهنش جاری بود بروی صورتش نقش می‌بست، گشتاپو او را جدا از دیگران به کنج مقابل دیوار اتاق کشاند ...

(باقی دارد)

از (ص ۲)

وضع کنونی جنبش آزادیبخش ...

در کشورهای امپریالیستی با تمام تاریخ طولانی‌اش دارای آینده‌یی نمی‌باشد، چه رسد به کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره سابق که در آن هیچ گذشته‌یی ندارد.

از آنرو جنبش آزادی‌بخش ملی در جریان حرکت بسوی هدف خود – آزادی کامل خلق‌ها از هم اشکال و انواع ستم – بطور ناگزیر وارد مرحله حل پرابلم‌های اجتماعی می‌گردد و در جهت انقلابی رشد می‌نماید که هدف آن تعمیر مجدد جامعه سوسیالیستی می‌باشد.

پروگرام دموکراتیک عمومی این جنبش در جریان عمل از حدود چوکات سرمایه‌داری، که برای جنبش خلقی ضد امپریالیستی و هم برای انکشاف این جنبش بسیار تنگی می‌کند، خارج می‌گردد، و این پیشگویی به حقیقت می‌پیوندد که: «در مبارزات فیصله کن آینده انقلاب جهانی، جنبش اکثریت نفوس جهان که در بدو امر به آزادی ملی معطوف بود، بیک جنبش ضد سرمایه‌داری و ضد امپریالیستی مبدل خواهد شد.»

این حقیقت که ساختمان سوسیالیزم شعار کلیه احزاب و نیروهای بانفوذ در کشورهای نو به آزادی رسیده گردیده است، خود انعکاس دهنده «تعمیق و جهت گیری مجدد» جنبش آزادی‌بخش ملی می‌باشد. حتی بسیاری از نمایندگان بورژوازی ملی باین نتیجه رسیده‌اند که راه سرمایه‌داری «کلاسیک» را که جهان غرب پیموده است، برای این کشورها راه مناسب و شایسته‌یی نیست، از آنرو از استقرار و تقویه سکتور دولتی، پلان گذاری اقتصادی، کوپراتیف‌های زراعتی و غیره طرفداری می‌نمایند. آن‌ها برای پوشاندن مقصد اصلی خود که عبارت است از پیشبرد مشی مستقل رشد سرمایه‌داری و «تخفیف» بعضی از «زشتی های» این نظام اصطلاحات سوسیالیستی را بکار می‌برند. ولی با وجود این حقیقت که مفاهیم گوناگون سوسیالیزم در کشورهای نوبنیاد، غالباً یا عوام‌فریبی محض مرتجعین است یا پرده ایست بر روی تلاش‌هایی که هدف آن تأمین پیروزی مناسبات سرمایه‌داری در این کشورها می‌باشد، اما بهیچ صورت از اهمیت عظیم پخش شدن شعارهای سوسیالیستی در مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق نمی‌کاهد.

این حقیقت که بسیاری از حکومت‌ها در کشورهای نو به آزادی رسیده نمی‌توانند موقف جانبداری از راه سرمایه‌داری را اتخاذ کنند و آنرا ناممکن می‌پندارند، نشان‌دهنده عمق کامل احساسات ضد سرمایه‌داری توده‌های مردم در این کشورهاست و همچنان نشانه شکست عمده ایدیولوژیکی و سیاسی سرمایه‌داری در مناطق می‌باشد که سرمایه‌داری امید داشت و هنوز هم دارد که آنرا به حیث نیروی ذخیره در مبارزه علیه سوسیالیزم استعمال نماید.

یکی از خصوصیات برجسته ترقی اجتماعی در مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق این است که ترقی اجتماعی در آنجاها نتیجه و حاصل جنبش آزادی‌بخش ملی می‌باشد.

در شرایط کنونی امکانات آن وجود دارد که انقلاب آزادی‌بخش ملی «مانند الجزایر» در جهت جنبش سوسیالیستی رشد و انکشاف نماید و پروسه انقلابی در مرحله معینی از انکشاف خود هر دو جنبش را در یک جریان واحد انقلابی باهم مزج نماید.

این خصوصیت جنبش آزادی‌بخش ملی در توسعه مبنای اجتماعی و سیاسی آن کمک می‌نماید و امکان آنرا بوجود می‌آورد که توده‌های خورده بورژوایی و طبقات متوسط از مجاری مبارزه آزادی‌بخش ملی به نهضت جذب گردند و شرایط مساعدی برای جمع نمودن همه نیروهای سالم ملت در یک جبهه واحد، در زیر پرچم ترقی اجتماعی بوجود آید، و به نسبت ضعف نسبی بورژوازی محلی به نیروی مقاومت عناصر مرتجع خاتمه داده شود. اعتبار بزرگ سوسیالیزم و پیروزی‌های عظیم آن ... این جریان را تسریع می‌کند.

بالأخره، باید خاطرنشان گردد که جنبش‌های آزادی‌بخش ملی معاصر زمانی به اهداف خود نایل می‌گردند و به پیروزی نهایی می‌رسند که خصلت خلقی داشته باشند. این یگانه تلقی طبیعی از گرایش معاصر این جنبش‌ها از مقاصد اجتماعی ضد امپریالیستی و از نیروهای محرکه آن می‌باشد.

جنبش‌های آزادی‌بخش ملی جنبش‌هایی ست به منفعت عامه خلق.

جنبش‌های آزادی‌بخش ملی معاصر بنا بر خصوصیت ضد امپریالیستی و محتوی جدید اجتماعی آن، و بنا بر نقش بزرگی که خلق‌ها در آن بازی می‌نمایند، زنجیر امپریالیزم را در حساس ترین قسمت آن جدا تضعیف می‌نماید تا در وقت به سر انجام رساندن جنبش کاملاً از هم بگسلد.

خصوصیات جنبش آزادی‌بخش امروزی نشان می‌دهد که چرا این جنبش‌ها با حصول استقلال سیاسی پایان نمی‌یابند، بلکه به کمک این استقلال وارده مرحله جدیدی می‌گردند. وظیفه عمده جنبش در مرحله جدید عبارت است، از حصول استقلال کامل از اسارت امپریالیزم، یعنی بدست آوردن استقلال اقتصادی و از طریق آن تحکیم حاکمیت ملی. نیروهای وطن‌پرست جنبش از تجربه خود می‌آموزند که نیل به این هدف تنها از راه تغییرات عمومی دموکراتیک، از بین بردن ریشه‌های اقتصادی و بقایای نفوذ سیاسی امپریالیزم، انکشاف صنایع ملی، حل مسأله ارضی، دموکراتیک کردن حیات اجتماعی، ارتقای سطح زندگی، پیروی از یک سیاست خارجی فعال ضد امپریالیستی امکان‌پذیر است.

هسته جنبش را در مرحله جدید رشد آن، ترقی اجتماعی تشکیل می‌دهد

«جنبش آزادی‌بخش ملی با حصول استقلال سیاسی پایان نمی‌یابد. هرگاه این جنبش تغییرات بنیادی ای را در ساحات اجتماعی و اقتصادی بار نیاورد و پرابلم‌های مبرم تجدید حیات ملی را حل نکند، این استقلال نااستوار و موهوم خواهد بود.»

البته مبارزه در راه استقلال

(از ص اول)

طبقات و مبارزهٔ طبقاتی

مبارزه سیاسی طبقه کارگر تمام ساحات حیات اجتماعی را که به دیگر طبقات و قشرهای جامعه بورژوازی و دولت بورژوازی و فعالیت‌های آن ارتباط می‌گیرد، احتوا می‌نماید. »شعور طبقه کارگر واقعاً شعور سیاسی بوده نمی‌تواند، مگر اینکه کارگران چنان پرورش یابند که بدون استثنا در برابر تمام قضایا اعم از استبداد، ستم، تشدد و سو استفاده ها و بد رفتاری ها احساس مسئولیت کنند و از خود عکس العمل نشان دهند. بدون در نظر گرفتن اینکه کدام طبقه یی را متاثر می‌سازد .«این گفته متضمن یک ارتباط نزدیک در میان دفاع از منافع طبقه کارگر و مبارزه برای حقوق و آزادی‌های وسیع دموکراتیک، مبارزه علیه سیاست خارجی ضد ملی بورژوازی و در بسیاری کشورها مبارزه برای استقلال ملی، دموکراسی، ترقی اجتماعی و غیره است.

تمام این رهنمودهای مربوط به فعالیت سیاسی طبقه کارگر، بالذات و بخصوص در شرایط معاصر بسیار پر اهمیت است. ولی این ادعا که مطالب فوق تمام وظایف مبارزه سیاسی را در بر می‌گیرد، نادرست خواهد بود. »کافی نیست اظهار گردد که مبارزه طبقاتی وقتی ثبات و تحقق میابد و رشد می‌کند که صرف محدود به ساحه سیاست باشد ... مبارزه طبقاتی هنگامی بصورت کاملاً رشد یافته به سویه ملی تأیید می‌گردد که تنها محدود به ساحه سیاست نمانده، بلکه به مرکز و هسته سیاست، یعنی به سیستم قدرت حکومت پیش رود.«

در اینجاست که تمایز آشکار در میان عناصر ترقی‌خواه و لیبرال‌های معمولی بوجود می‌آید. لیبرال‌های (آزادیخواهان) معمولی مبارزات طبقاتی را تا ساحه سیاست تأیید می‌کنند، ولی مشروط بر اینکه مشمول مبارزه کارگران، بمقصد سرنگونی نظام سرمایه‌داری (کاپیتالیزم) و تصرف قدرت حکومتی نباشد.

از آنچه که اظهار گردید واضح می‌شود که تیوری پیشرو درحالی‌که علت اصلی تمام مبارزات میان طبقات را در منافع مادی و اقتصادی مشاهده می‌کند. در عین زمان تفوق و برتری امور سیاسی را بر امور اقتصادی تأیید می‌نماید و شکل سیاسی مبارزه طبقه کارگر را بمثابه عالی‌ترین شکل مبارزه برمی‌گزیند و تمام مبارزه طبقاتی را بحیث مبارزه سیاسی تلقی می‌نماید. اشکال مبارزه اقتصادی و اقتصادی یک مبارزه خالص اقتصادی نمی‌باشد. عرصه تصادم نیروهای ملی با امپریالیزم و ارتجاع داخلی در دولت‌های جوان بسیار وسیع است. ساحات و جهات مختلف حیات اجتماعی را احتوا می‌نماید که حاد ترین شکل آن در عرصه سیاسی صورت می‌گیرد.

وضع خاص کشورهای مختلف مستعمره و نیمه مستعمره سابق بیشتر در مرحله جدید جنبش آزادی‌بخش ملی تبارز می‌کند. اشکال و شیوه‌های را که برای حل پرابلم‌های این مرحله بکار برده می‌شود تعیین می‌نماید.

ایدیولوژیکی بالذات هدف نیست، بلکه با وصف اهمیت آن‌ها تابع اهداف و وظایف عالی‌تر سیاسی کارگران می‌باشد. تنها مبارزه سیاسی اقتصادی طبقه کارگر می‌تواند احتیاج اساسی اقتصادی طبقه خود را تأمین کند و استثمار انسان از انسان را محو سازد.

طبقه کارگر برای نیل باین وظایف و اهداف، مطابق به شرایط و از طرق گوناگون به مبارزه سیاسی می‌پردازد و از وسایل و راه‌ها و اشکال مختلف از قبیل مبارزه مسالمت‌آمیز که شامل اعتصابات سیاسی، تظاهرات، میتینگ و مبارزات انتخاباتی و بالأخره طبق اوضاع از شکل غیر مسالمت‌آمیز که نمونه معاصر آن در ویتنام جریان دارد، استفاده می‌کنند. اهداف و طرق (میتود) مبارزه سیاسی ایجاب می‌کند، تا اشکال عالی‌تر سازمان‌های طبقه کارگر، مقدم بر همه حزب سیاسی زحمتکشان ایجاد گردد. طوری که تجربه نشان می‌دهد، چنین حزبی در تاریخ جنبش طبقه کارگر یک پدیده طبیعی بشمار می‌رود. همچنین مبارزه سیاسی ایجاب می‌نماید که وحدت و همبستگی سرتاسری طبقه کارگر و تمام خلق کارگر بسویه ملی و بین‌المللی تأمین گردد.

از (ص اول)

هوشیاری ...

حال باید دید که برای نیل باین اهداف عالی در وضع مشخص موجود چه باید کرد و وظیفه مبرم و فوری نیروهای صدیق ملی، دموکراتیک، وطن‌پرست و ترقی‌خواه چیست؟

بعقیده ما، برخورد جدی نه نکات مشترک زیرین عمده‌ترین و ضروری ترین و فوری ترین وظیفه و شعار بالفعل است:

۱- مبارزه پیگیر در راه استقرار بسط و توسعه حقوق و آزادی‌های وسیع دموکراتیک افراد، اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در قدم اول دفاع از ارزش‌های دموکراتیک قانون اساسی (فصل سوم قانون اساسی).

۲- افشا و خنثی کردن همه‌جانبه نقشه‌های فتنه‌انگیز ارتجاع علیه جنبش آزادی‌بخش ملی و آماده ساختن مردم برای مبارزه علیه آن.

۳- استفاده درست و بهنگام از وسایل و شیوه‌های مبارزه مطابق به شرایط عینی و ذهنی، داخلی و خارجی کشور، بخصوص مطابق به وضع مشخص موجود، بدون ایجاد فتنه‌انگیزی، تفرقه افگنی و ماجراجویی که بهانه برای حمله وحشیانه ارتجاع گردد.

ضرورت و مسئولیت تاریخی حکم می‌نماید که برای تهیه و تدارک تحول بنیادی در کشور و برای وادار ساختن پیهم ارتجاع به عقبنشینی و برای اجرای عمده‌ترین، ضروری ترین و فوری ترین وظایف سه‌گانه فوق، باید وحدت و تشکل کلیه نیروهای دموکراتیک خلق و سایر عناصر صدیق ترقی‌خواه و وطن‌پرست که به ایجاد تحول بنیادی علاقه دارند و اتحاد (ولو موقتی هم باشد) کلیه نیروهای تحول طلبی که آرزومند استقرار آزادی‌های دموکراتیک از قبیل آزادی بیان، مطبوعات، تظاهرات، اجتماعات، تشکیل احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها ... و غیره که همه صورت‌های شکل مبارزه مسالمت‌آمیز اند، تأمین گردد.

هموطنان، نیروهای ملی، دموکراتیک و ترقی‌خواه وطن‌پرست! نهضت وارد مرحله حساسی گردیده است. هوشیاری را نباید از دست داد! ارتجاع توطئه گر تر، فتنه‌انگیز تر و زمان برای ما تنگتر و پر مسئولیت تر می‌گردد.

(آمو)

د لمړی مخ پاتی

د پښتونستان ...

نن – نن زمور او د حکومت جنګ په څه دی؟ پدی مو جنګ دی چه دا کومه ځمکه تا سو له دی پلارانو ګټلی ده چه ددی حاصلات ستاسو کورته راشی، نوره پکښی زیاتی هیڅ خبره نه شته او د هغی دپاره مور ګورو په قسم قسم طریقو او وسیلو او سازشونو باندی پښتون له خپل حق نه محرومیږی. زمور »صدر صاحب «چه ناجوړه کیده د هغه مخکښی زه ډیر خوشحاله وم هغه به لرکانه کی یو تقریر کړی و او هغه مور ته د یونټ خوبی بیانولی او دا یی رانه وی چه یونټ ولی په کار دی چه وی؟

هغه اخبار ما سره موجود دی، زما خیال دی چه پنځه لسم تاریخ د مارچ و چه هغه په لرکانه کی تقریر کړی و او دری غټی غټی »وجهی «یی بیان کړی دي. د دی خبرو ضرورت ځکه دی چه تاسو پدی ملک کی ګورئ چه اضمحلال سیستم استعماری به افسانه امپریالیستی متحدالشکل بودن جهان پهناور استعمار خاتمه داد. اختلاف زیاد در شرایط اجتماعی و اقتصادی، سنن تاریخی و ملی و دیگر خصوصیات این کشورها آشکار گردیده است.

خلاقیت مبارزه توده‌ها که فرصت نشان دادن ابتکار تاریخی را بدست آورده‌اند، باعث بوجود آمدن تعدد اشکال خاص انکشاف اجتماعی در مبارزه علیه استعمار، فیودالیزم و سرمایه‌داری می‌گردد.

(باقیدارد)

مطالبات قانونی دریوران و کلینران

انحصارات دولتی

خبرپال پرچم از انحصارات دولتی اطلاع می‌دهد که دریوران این موسسه درین اواخر یک سلسله مطالبات قانونی خود را برياست انحصارات ارایه کردند. مطالبات ایشان قرار آتی است:

«۱ – از سال ۱۳۴۱ معاشات ما بصورت اصولی افزوده نشده است. باید طبق دستورهای قانونی افزوده شود.

۲- در سال ۱۳۴۱ در معاشات ما یک افزودی تصویب گردید که تا امروز تادیه نشد و با وجودی که (گل احمد) وکیل دریوران بمقامات (ولسی جرگه و مشرانو جرگه) مراجعه کرد، اما در زمینه از طرف انحصارات غوری بعمل نیامد.

ما طبق قانون جدا آرزو داریم که این افزودی‌ها را از زمان تصویب تا کنون اجرا کنند.

۳- اکثر کارگران جوازی که در طول سال وظایف محوله ... و با جدیت

ما جدا خواستاریم که به وضع ظالمانه خاتمه داده شود.

۴- معاش کلینر های موتر در مرکز پنجصد افغانی است و باید به هفتصد افغانی یعنی معادل با معاش کلینران در اطراف شود.

۵- هرگاه موتری برای رفع عوارض از طرف انحصارات توفق داده می‌شود، به دریور موتر تا پانزده روز بعد از توقف، معاش پوره و بعد از پانزده روز تا یکماه معاش نصفه تادیه میگردد و در صورتی که توقف از یکماه تجاوز نماید، معاش دریور طبق دستور خلاف قانون قطع میگردد ولی با وصف آن مکلف بدادن حاضری و ایفای خدمت می‌باشد. این روشن دستوری، ظالمانه و خلاف قانون است و باید حذف گردد و معاش دریوران تا زمانی که قانونا مربوط انحصارات است، اجرا گردد.»

پرچم: خواست‌های دریوران ...وم انحصارات را که یک زمان طولانی در خدمت وطن بسر برده‌اند ... دانسته و جدا خواستار است ... از دست رفته این کارگران ... تلافی و اعاده گردد.

زمور دغه یوه ذریعه ده چه تاسو له تکلیف درکړو، راموولو او تاسو ته خپله خبره وکړوړ اخبار مور له څوک نه راکوی. ریډیو ځوابله د پاینده خان دوی ټیکه ده، نو د دی کبله دا یوه موقع ده چه کله مور او تاسو سره مخامخ شولو ډیری زړی وهی، ګاټی پکښی یو بل سره صفا کړو. زمور صدر صاحب ویلی دی چه مغربی پاکستان دی یو یونټ وی، ولی؟

ځکه چه د مغربی پاکستان ریلونه یو دی، کله چه له کراچی نه ریل را روان شی نو پیښور ته را رسی. ځومره ښه دلیل دی (!) بله دا چه زمور بجلی یوه ده، چه د پیښور نه روانه شی تر کراچی پوری یوه بجلی ده، نه چه د بجلی سلسله مو یوه ده نو په کار دی چه ټول مغربی پاکستان یو یونټ شی، دا دوهم دلیل دی. دریم دا چه ګیس زمور چه دی، ټول د بلوچستان نه راغلی دی او د ګیس سلسله مو یوه ده، نو په کار دی چه ټول یو ملک شو، یو صوبه شو. یو ملک خو یو چه یو صوبه شو – یعنی په دومره سپینو سترګو چه د بلوچستان نه یی ګیس واخیست او زما نه یی بجلی واخیسته، هغه زما دپاره د ... جواب شو. (چک چکی). وایی چه د کراچی نه ګاډی را روان شی پیښور ته راځی. که د صدر صاحب نه زه دا تپوس وکړم که دا ګاډی له بمبئی نه را روان شو او پیښور ته راغی نو هم به منی او که دا ګاډی د کلکتی نه را روان او ډاکی ته لاړ نو بیا به هم دا منی؟ (چک چکی) دا څه د ماشومانو غوندی خبری دی او که د بجلی خبره وی نو د پنجاب بجلی تر اوسه پوری د هندوستان به راتله نو وبه یی منی؟ دا د ماشومانوخبری ندی او نه خلکو له د دوهکی د ورکولو کوشش په کار دی. مور ورته وایو چه مور پدی ملک کی اوسو، مور پدی ملک کی د پنځم ورور په حیثیت اوسو، ورور مو ګڼی که ورور مو نه ګڼی سمه خبره ده دا خبره په ډاګه کوو، په میدان یی کوو

(نوربیا)

کمیته تحکیم پرچم-افتتاح اطاق مبارزه را تبریک میگوید

از (ص اول)

وضع تجارت پشم

به حوزه به اصطلاح آزاد تجارتی با دادن سبسایدی‌ها می‌باشد ورنه چه دلیلی موجود است که در برابر اسعار حاصله از صادرات پشم به حوزه بارتری ٤٥ افغانی و به حوزه «آزاد » ٥٥ افغانی فی دالر از طرف حکومت پرداخته شود؟ و همچنین در برابر اسعار ماحصل صادرات پخته به حوزه «آزاد»، علاوه بر ٤٥ افغانی فی دالر ١٩ افغانی اضافی دیگر بحیث سبسایدی قایل گردد. یعنی ٦٤ افغانی فی دالر. درحالی‌که در مقابل صادرات به حوزه بارتری ٤٨ افغانی فی دالر پرداخته می‌شود.

ما معتقدیم که مردم، مولدین واقعی، فریب این نوع تبلیغات را نخواهند خورد که گویا در شرایط موجود بغرض تقویه و حمایه آن‌ها اقداماتی صورت می‌گیرد. آنان انگیزه واقعی این‌چنین تجاویز را می‌دانند که هدف آن ترغیب بیشتر تجار بزرگ و دلالان کمپرادور جهت کسب سود بیشتر و قایل شدن به تبعیض میان صادرات اموال اساسی صادراتی ما به حوزه بارتری و حوزه «آزاد» تجارتی می‌باشد و ازین طریق کوشش می‌شود وزنه تجارت خارجی به سود حوزه «آزاد» تغییر نماید و زمینه برای نفوذ بیشتر استعمار نوین و امپریالیزم در اقتصاد و تجارت کشور فراهم گردد.

پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک افکارو خپروونکی

رویدادهای مهم سیاسی جهان
در هفته گذشته

در اروپا:

پاریس: بحران فرانسه علیرغم تلاشی که جهت آرامی آن بعمل می‌آید، هنوز هم ادامه دارد و تا حال درین اعتصابات یازده میلیون نفر اشتراک کرده‌اند.

پاریس: روزنامه‌های فرانسه نطق جنرال دوگول را با تفسیرهای گوناگون منتشر کرده‌اند. دوگول در نطق خود گفت که فرانسه در آستان سقوط قرار گرفته است. ما فرانسویان اگر نخواهیم که این بحرانات به جنگ داخلی و ویرانی‌های بزرگ منجر شود، باید آنرا حل کنیم. جنرال دوگول در نطق (هفت) دقیقه‌ای خود تاکید کرد که اگر مردم فرانسه ریفراندمی را که در ماه جون انجام خواهد داد، تأیید نکنند، پست ریاست جمهوری را ترک خواهد کرد. در هنگام سخنرانی دوگول مردم فرانسه در جاده‌ها علیه دوست دست به تظاهرات زده بودند.

رهبران اعتصابات بعد از ختم بیانیه دوگول اعلان نمودند که بمبارزات ادامه خواهند داد. (فرانس نوال) گفته که دوگول بمردم چیز تازه‌یی نگفته است.

پاریس: اعتصابات پازده میلیونی زحمتکشان فرانسه همچنان دوام دارد، گرچه دولت در مقابل اعتصابات کارگران تن در داده و قبولدار شده که سیستم معارف را اصلاح کند ولی مبارزه همچنان عمق و گسترش بیشتر پیدا می‌کند. نتایج مذاکره کارگران با دولت از جانب کارگران پذیرفته نشده است. روزتاروز شعار سیاسی مقدمتر از شعارهای اقتصادی قرار می‌گیرد. دوگول پروگرام اصلاحی خود را اعلان کرد، ولی حزب کمونیست فرانسه آنرا مانوری برای اغفال مردم می‌داند.

ناظرین سیاسی عقیده دارند که وضع فرانسه فوق‌العاده بحرانی است و سقوط دوگول را تقریباً حتمی می‌دانند. ارتجاع فرانسه و انارشیست‌ها و گروه‌های افراطی سعی دارند بین نیروهای چپ تفرقه اندازند. (والدک روسیه) ضمن سخنرانی خود در کارخانه رینو به کارگران هوشیار باش داد که گروه‌های فاشیستی و سازمان جاسوسی آمریکا سعی دارند مبارزه مردم را از مسیر خود خارج کنند. او گفت که تمام نیروهای ارتجاعی ضد انقلابی ماسک انقلابی به چهره زده‌اند تا بتوانند خرابکاری کنند. باید دولت فعلی سقوط کند، ولی این مسأله مطرح است که چگونه دولت باید جای آنرا بگیرد. (فرانسوا متران) طی یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت که اگر دوگول کناره‌گیری کند، باید یک حکومت موقت به اشتراک ده نفر بوجود آید که انتخابات جدید جمهوری را نظارت کنند، ارتجاع بین‌المللی و ارتجاع فرانسه چشم امید به اختلافاتی دوخته‌اند که هنوز بین نیروهای چپ موجود است.

پاریس: بحران اجتماعی فرانسه بیک بحران عمیق سیاسی تبدیل می‌شود. پارلمان فرانسه منحل گردید. جنرال دوگول ضمن بیانیه خود تهدید کرد که صدراعظم برطرف نخواهد شد. وی به زحمتکشان و محصلین و تمام مبارزین اخطار داد که از اعتصاب دست بکشند ورنه به قوت متوسل خواهد شد. این بیانیه دوگول باعث انزجار محافل فرانسه شده است. سندیکای کارگران و محصلین اعلان نموده که به مبارزات خود ادامه خواهد داد. منشی حزب کمونیست فرانسه نیروهای چپ را به اتحاد دعوت کرد. او گفت که بیانیه دوگول در حقیقت اعلان جنگ علیه همه نیروهاست. جنگ علیه محصلین، کارگران و همه مردمی که در راه رفاه، استقلال و سعادت مردم خود مبارزه می‌کنند.

در آلمان غرب

هیجان بزرگ سراسر آلمان را فرا گرفته است. قوانینی را که حکومت از پارلمان باید بگذراند، این هیجانات را شدت بخشیده است.

این قوانین چنان قوانینی است که بقایای دموکراسی بورژوازی را در آلمان محو خواهد کرد و رژیم آلمان را بطرف دکتاتوری فاشیستی می‌برد. مبصرین عقیده دارند که آلمان نیز مانند فرانسه به بحرانات مواجه خواهد شد.

برلین: در آلمان غرب باز تظاهرات عظیمی علیه قوانین استثنایی ادامه دارد. محصلین لوایحی را حمل می‌کردند که بروی آن نبشته شده بود: «باز می خواهند نازیزم را احیا کنند. دموکراسی در خطر است. باز می خواهند روی جاده‌ها خون جاری شود» اگر این قوانین استثنایی تصویب شود، تمام آزادی‌ها از قبیل مظاهره، اعتصاب، اجتماع، بیان و انتقاد از کارهای دولت نه تنها محدود، بلکه بکلی نابود می‌شود و همچنان خطر جدی برای صلح اروپاست.

مگر مردم آلمان فیصله کرده‌اند که دیگر راه فاشیزم را بکلی نابود سازند.

در آسیا:

سایگون: قوای ویتکانگ به پیشرفت خود بسوی مرکز شهر سایگون ادامه می‌دهند.

هفتاد و پنج هزار عسکر آمریکایی و بیش از یکصد هزار عسکر حکومتی در سایگون بحال تیارسی در آمده‌اند، ولی با تمام این احضارات ضربات قوای جبهه آزادی‌بخش ملی یکی بعد دیگری وارد می‌آید. رادیو سایگون شب پنجشنبه تحت حملات پارتیزان‌ها واقع شد و خاموش گردید.

همچنان پارتیزان‌ها مرکز رادیو آمریکائی‌ها را در ۳ کیلومتری شمال غرب سایگون مورد حمله قرار دادند. پارتیزان‌ها در نقاط مختلف شهر ۹ پایگاه پولیس، ۴ رستوران آمریکایی و ۲ کاباره و ۷ خانه سربازان آمریکایی را تحت حمله گرفتند که در اثر این حملات در بیست و چهار ساعت (۴۰۰) نفر عسکر آمریکایی کشته شدند.

هانوی: رادیو هانوی اطلاع داد که واحدهای ضد هوایی ویتنام سه طیاره دیگر آمریکایی را سقوط دادند. طبق اطلاع رادیو هانوی، تا کنون (۲۹۴۴) طیاره آمریکایی در خاک ویتنام شمالی سقوط داده‌شده.

هانوی: روزنامه نان دانگ نوشته است که آمریکا از یکطرف بدنیا اعلان می‌کند که طرفدار صلح است، از جانب دیگر بمباردمان هوایی و تجاوزات زمینی آن بالای جمهوریت دموکراتیک ویتنام ادامه دارد. ما در مرحله اول طرفدار قطع بدون قید و شرط بمباران طیارات آمریکایی بالای ویتنام شمالی می‌باشیم.

در آمریکا:

واشنگتن: چهار روز است که عصیان سیاه‌پوستان ادامه دارد. حکومت آمریکا قوای عسکری را برای سرکوبی این عصیان به ایالت لوئیزوی فرستاده است و همچنان تظاهرات ... مختلف آمریکا ... در مورد ...

(نسبت کمبود پارچهٔ از اصل جریده بعداً تکمیل می گردد. عمر فیض)

اعتصاب کارگران با شهامت مطبعه معارف
یا موسسه انتشارات فرانکلن در افغانستان

خبریال ما اطلاع می‌دهد که ساعت ۸ قبل از ظهر روز ۸ جوزا، کارگران دلیر و زحمتکش مطبعه فرانکلن، که یکی از وسایل استعمار فرهنگی امپریالیزم در کشور می‌باشد، برای تأمین مطالبات صنفی و قانونی خویش دست به اعتصاب زدند.

خواست‌های کارگران عبارت است از: ازدیاد معاش کارگران متناسب با مفاد متزاید موسسه انتشارات فرانکلن، تأسیس بیمه صحی، تهیه وسایل انتقال کارگران از فابریکه به خانه‌هایشان و از آنجا بحوزه کار، انتقال پول ذخیره کارگران به بانک و اعاده با مفاد آن حین سبکدوشی آنان از کار، تهیه کوپون مواد ارتزاقی مطابق به استحقاق مأمورین و لباس زمستانی کار، قبول تعطیل بعدازظهر روزهای پنجشنبه، تادیه معاش پیشکی به کارگرانی که احساس ضرورت می‌کنند و وضع آن در تمام ماه‌های باقیمانده سال، تادیه مزد اضافه کاری به پیمانه دو چند مزد عادی، پذیرفتن ۱۵ افغانی عوض ماکولات کارگران شبکار و بهبود وضع غذای روزانه، قایل شدن به هفتاد روز رخصتی تفریحی ضروری و مریضی برای کارگران، قبول ۱۴ ماهه معاش در سال و برسمیت شناختن روز اول ماه می بحیث جشن بین‌المللی کارگران در کشور و غیره تسهیلات قانونی.

این کارگران فداکار در پایان خواسته‌های خویش علاوه کرده‌اند که اگر با این مطالبات شان معامله قانونی صورت نگیرد، مجبور اند برای تأمین خواست‌های خویش دست به تظاهرات قانونی بزنند. کارگران در جریان این اعتصاب فریاد می‌زدند: زنده‌باد اتحاد طبقه کارگر افغانستان! پیروز باد نهضت جوان کارگری کشور! زنده‌باد آزادی، دموکراسی و صلح! مرده باد استثمار، استعمار، استبداد و ارتجاع! مرگ بر امپریالیزم! مرده باد دشمنان طبقه کارگر و ...

خبر می‌رساند که در جریان اعتصاب، پولیس داخل محوطه مطبعه شده به مداخله غیرقانونی دست زد. این مداخله با مقاومت شدید کارگران مواجه شد و نیروهای پولیس را مجبور به ترک محوطه مطبعه ساخت. بالأخره ساعت ۱۱ روز مذکور رییس موسسه بحضور کارگران حاضرشده و وعده داد که تمام خواست‌های کارگران را قبول می‌کند.

موصوف برای ایفای این وعده تا روز شنبه ۱۱ جوزا از کارگران مهلت خواست.

پرچم: مطالبات کارگران مطبعه فرانکلن را که به سود امپریالیزم و استعمار نوین بی‌رحمانه استثمار می‌شوند، جدا تأیید نموده و مجاهده در راه پیروزی مبارزه قانونی آنان را از وظایف اصلی خود می‌پندارد.

لت و کوب دو تن
از شاگردان دارالمعلمین عالی توسط پولیس

ساعت ده روز ۹ جوزا حینی که تظاهرات و میتینگ شاگردان بنونځی های میخانیکی و صنایع در چار راه شاه دو شمشیره جریان داشت، دو تن از متعلمین دارالمعلمین عالی با استفاده از ساعت تفریح از محوطه دارالمعلمین خارج شده می‌خواستند بغرض تهیه مواد مورد ضرورت خویش، پل باغ عمومی را عبور نمایند، ولی از طرف پولیس مورد حمله و لت و کوب بی‌رحمانه قرار گرفتند که در اثر آن یکتن از ایشان در ناحیه سر جراحت برداشت.

خبرنگار علاوه می‌کند که این حرکت غیرقانونی پولیس در بین شاگردان دارالمعلمین عالی باعث تولید تنفر و هیجان عمیقی گردیده است.

چگونه قانون در برابر قدرت ستمگران
زانو میزند

دو روز قبل (۱۹) نفر مأمور پروگرام شرکت سرویس باداره پرچم آمده و جریان بسیار عجیبی را که نماینده نهایی ترین بی‌لگامی را در برابر قانون نشان می‌دهد، شرح دادند.

این مأمورین بتاریخ جدی ۱۳۴۶ یعنی سه ماه قبل بدون کدام دلیل قانونی، عذر، جرم، اضافه بستی ... از کارشان در شرکت سرویس برطرف شده‌اند و وظایف شان را بدیگران سپرده‌اند.

این مأموران بخاطر دفاع از حقوق‌شان بتمام مراجع قانونی دولت مراجعه کردند و بالاثر وزارت معادن و صنایع مکتوبی باین مضمون به ریاست سرویس نوشت: »از پرجنجالترین موسسات از نگاه روابط با کارگران، یکی شرکت سرویس می‌باشد، چون هنوز سال ۴۶ بپایان نرسیده است، تشکیلات ۴۶ بحال خود باقی است. شرکت سرویس مجبور است این اشخاص را دوباره بوظیفه های اصلی شان مقرر نماید.«

ولی شرکت سرویس که قانون هرگز خلاف میل آن عمل نمی‌کند (!) همچنان در برابر حقوق کارگران مذکور (مأموران سرویس) استادگی دارند و هیچ قدرتی وجود ندارد که باین حق قانونی احترام گذارد.

پرچم: درحالی‌که پشتیبانی خود را از حقوق کارگران اعلام می‌دارد، اعمال ضد قانونی مقامات مربوط را در این زمینه محکوم می‌نماید.

اعتصاب و تظاهرات شاگردان بنونځی‌های
میخانیکی و صنایع همچنان ادامه دارد

اعتصاب و تظاهرات شاگردان بنونځی‌های میخانیکی و صنایع به غرض برآورده شدن خواست‌های صنفی‌شان همچنان با ثبات و استواری ادامه دارد. وزارت معارف علی‌رغم وعده‌های قبلی، نه تنها تا کنون حاضر نشده است به اقناع قانونی شاگردان مذکور بپردازد، بلکه همچنان بنونځی‌های متذکره تحت کنترول شدید پولیس قرار دارد و شایعست که چند نفر از متعلمین از طرف پولیس توقیف گردیده‌اند.

پرچم: یک بار دیگر خواست‌های صنفی و قانونی شاگردان بنونځی‌های مذکور را تأیید و مسؤولیت عواقب وخیم ادامه این وضع را متوجه مقاماتی می‌داند که درین زمینه با بی‌اعتنایی برخورد می‌کنند.

موج نوین نهضت کارگری در فابریکه
نساجی پلخمری

کارگران نساجی پلخمری مبارزات اقتصادی و صنفی خود را آغاز کرده‌اند. شهر صنعتی پلخمری از سالیان دراز باینطرف محل تضاد میان کار و سرمایه است. این شهر در حدود هشت هزار کارگر زحمتکش را در آغوش خود جای داده است. زحمتکشان با شهامت این منطقه چه در معادن زغال، چه در فابریکه‌های نساجی و سمنت و چه در پروژه راه‌سازی، در دشوارترین شرایطی نقش آفریننده‌یی را، در جریان تولید نعمات مادی جامعه ایفا می‌کنند.

تازه‌ترین اخبار حاکیست که کارگران زحمت کش نساجی پلخمری مانند سایر زحمتکشان کشور برای رهایی از قید و بند ستم طبقاتی به مبارزه دسته‌جمعی پرداخته‌اند.

خبریال پرچم اطلاع می‌دهد: وقتی که کارگران نساجی پلخمری از تقدیم عرایض و پیشنهادهای پیهم خود برياست فابریکه به ستوه آمدند و به فریادها و اعتراضات قانونی آنان التفاتی نشد، ناچار دست به اعتصاب زدند و در باغ فابریک اجتماع نمودند. کارفرمایان نساجی ازین وضع و جنبش در هراس افتیدند. با هزار نیرنگ کارگران را واداشتند تا نماینده‌گان خود را برای بحث و مشوره معرفی کنند و به اعتصاب خاتمه بخشند.

اما درین مذاکره کارگران به نتیجه قناعت بخشی نرسیدند و بار دیگر بروز ۱ جوزا در باغ عمومی مقابل فابریکه اجتماع نمودند و نماینده‌گان جدیدی را به دستگاه اداری فابریکه معرفی کردند. کارگران در پایان میتینگ خود به اتفاق آرا تصمیم گرفتند که هرگاه کارفرمایان فابریکه چه در جریان مذاکرات و مفاهمه‌ها و چه بعد ازین به نمایندگان کارگران و یا سایر کارگران مبارز کوچکترین زیان و خساره یی برسانند، کلیه کارگران به مقاومت قانونی خواهند پرداخت.

خبریال پرچم در مورد انگیزه این اجتماع و اعتصاب می‌نویسد: تا پایان سال ۱۳۴۶ کارگران نساجی پلخمری ۱۲ ساعت کار می‌کردند و در مقابل این همه کار یکنواخت، ظالمانه و خسته‌کننده، بطور اوسط هفتصد افغانی مزد می‌گرفتند، اما به اثر بیداری شعور طبقاتی کارگران و گسترش یافتن دامنه مبارزات صنفی و اقتصادی در مراکز صنعتی کشور و ده‌ها عامل دیگر، ساعات کار در آغاز سال ۱۳۴۷ از ۱۲ به ۸ ساعت پایین آمد و باین حساب دستمزد کارگران نیز به حد متوسط سه صد افغانی تنزیل یافت و روز سیاه آنان سیاه‌تر شد.

پرچم متن یادداشت کارگران را که بریاست فابریکه ارسال شده عیناً در ذیل این سطور نشر و در راه احیای حقوق تلف شده آنان مجادله مبارزه می‌کند.

«بریاست محترم نساجی پلخمری!

ما کارگرهای زحمتکش دستگاه نساجی پلخمری بالوسیله خواست‌های قانونی خویش را به تفصیل آتی ارایه می‌داریم:

۱- رخصتی بعدازظهر روز پنجشنبه (با معاش).
۲- افزایش معاش به اندازه کافی.
۳- (۷۰) روز رخصتی تفریحی، ضروری و مریضی با معاش.
۴- از بین بردن ستندرد موجوده در موضوع رتبه‌های کارگری.
۵- مشکلات خانه و وضع آن (یک خانه برای یک فامیل داده شود).
۶- موضوع تداوی و معالجه مربوطین کارگر بصورت اساسی.
۷- تشکیل اتحادیه کارگری مطابق آرزوی کارگرها بشکل دموکراتیک.
۸- انتقال پول ذخیره کارگران از حساب موسسه به یکی از بانک‌ها و اعاده با مفاد آن هنگام تقاعد کارگران.
۹- حساب پول بخششی کارگران که در گذشته همه‌ساله بنام کارگران تخصیص یافته و به دیگران توزیع گردیده، به کارگران داده شود و در آینده استحقاق بخششی کارگران بخود شان توزیع گردد.

ما حقوق طلب داریم. حقوق مشروع و حقوق ثابت و بالأخره حقوقی را می‌خواهیم که در گذشته زیر پا گذاشته شده بود و کسی به آن اعتنا نداشت. ما توقع نادرست و یا بیرون از حدود امکان نداریم. هیچ یک مواد متن درخواست عمده نیست، بلکه هر کدام آن نهایت ساده، طبیعی و قابل‌اجرا می‌باشد. مثلاً در یک ماده موضوع خانه و مشکلات آن قید گردیده است، مگر دستگاه از نتیجه بد سکونت دو فامیل کارگر در یک حویلی آگاه نیست؟ آیا انحرافات اخلاقی ناشی از این طرزالعمل موسسه نمی‌باشد؟ اگر جواب گفته نه می‌شود، پس چرا در حصه خود این طرز زندگی را قبول ندارند و آنرا به نفرت رد می‌کنند. و یا اینکه ما مطابق ماده دیگر این درخواست افزودی معاش را مطالبه داریم: بفرمایید کارمندان باصلاحیت دستگاه و یا نمایندگان صدیق شان با در نظر گرفتن وضع نامطلوب بازار و عدم کنترول نرخ اشیای طرف احتیاج، معاشات ما را سنجش و قانع سازند. معاش موجوده کفایت (۱۵) روز زندگی را بصورت بخور و نمیر نمی‌کند. ما کار می‌کنیم، انرژی مصرف می‌نماییم و باید انرژی صرف شده را از طریق تغذیه بازبگیریم.

ما مطابق اصول اساسی مطالبات خود را پیش می‌کنیم.

از مرگ تدریجی فاقه نیز نجات می‌خواهیم. بما وسیله زنده ماندن تدارک نمایید تا ما خوب تر کار کنیم و به سرمایه ملی به افزاییم.»

پایان تظاهرات کارگران مبارز
فابریکه خانه سازی

در شماره گذشته به اطلاع خوانندگان ارجمند پرچم رسانیدیم که کارگران مبارز فابریکه خانه سازی در اثر برخورد غیرقانونی مقامات مسؤول در برابر خواست‌های قانونی آنان، به تظاهرات خیابانی در جاده‌های شهر پرداختند.

خبرنگار ما اطلاع می‌دهد که در اثر این تظاهرات بروز ۵ جوزا ۱۳۴۷ وزیر فوایدعامه، رییس عمومی شهر سازی و رییس قابریکه خانه سازی درحالی‌که قومندان عمومی ژاندرم و پولیس نیز حاضر بود، با هشت نفر از نماینده‌گان منتخب کارگران مذکور داخل مفاهمه شده و بایشان وعده دادند که تا ختم ماه جوزا بخواست‌های قانونی آنان حتی‌الامکان جواب مثبت خواهند داد.

پـــرچـــــم
هره دوشنبه خپریږی

د تاسیس کال: د ۱۳۴۶ (کب)
د امتیاز خاوند او مسرول مدیر:
سلیمان (لایق)
آدرس: غوثی مارکیټ
محمد جان خان واټ
کابل، افغانستان

اشتراک
په مرکز کی د کال ۱۰۰ ــ افغانی
په ولایاتو او پښتونستان کی د کال ۱۱۰ افغانی
له هیواد نه د باندی د کال ۱۰ دالره
یوه گڼه ۲ ــ افغانی

تایپ متن: فرهاد بارکزی، ویرایش جدید: عمر فیض

دولتی مطبعه